

بنگاه بی بنگاه

به تازگی متوجه شده ایم امکان ثبت و استعلام قراردادهای اجاره مسکن به صورت برخط فراهم شده و هر دو طرف معامله می‌توانند بدون نیاز مراجعه به بنگاه، در سامانه‌ی مربوطه کارها را انجام بدهند و کد رهگیری بگیرند و بدون اینکه هزینه‌ای بپردازند، زحمت رفتن به بنگاه و هم از روی دوش خود شون بردارند. بریم باهم بررسی کنیم با عملی شدن این خبر، چه اتفاقاتی می‌افتد.

دلال بنگاه

این روزها از هر کی بپرسی چه کاره است، احتمالا می‌گه یا بنگاه داره یا تو بنگاه کار می‌کنه. با افتادن این اتفاق، باید شاهد این باشیم که دلال‌های محترمی که برای خونه‌ها هر دم بیللی قیمت رهن و اجاره تعیین می‌کردن و دوسر سود برای خودشون یک کمیسیون تپل حساب می‌کردن، از این به بعد برای گرفتن پول مردم، توی سایر مشاغل نفوذ کنن و بالاخره یک جوری بتونن آب باریکه‌ای رو که راهش بسته شده جایگزین کنن. حالا اینکه کی و کجا بتونن دوباره شمارو خفت کنن و پولتونو بالا بکشن جوری که خودتون نفهمین و با احترام پول رو بهشون تقدیم کنین، خدا داند، ولی فعلا اگر بشه، چی می‌شه!

شفاف مثل مجلس

خب، اومدیم و بر خلاف همه چیزهایی که تا حالا نشده و فقط خبر خوبشو شنیدیم، این یکی شد. حالا چی می‌شه؟ خدا نکنه زبونم لال مثل شفافیت آرای نمایندگان مجلس باشه که به دردهیج چی نمی‌خوره! یعنی قراره تو سامانه ثبت بشه که اجاره و رهن و فلان و بیسار چقدره تا به جای قراردادهای پنهانی یا صوری، مشخص بشه بالاخره اون وسطا داره چه اتفاقاتی می‌افته. بماند اون‌کی که بخواد کارشو بکنه و باز هم پنهان بکنه، بلده چه جوری یک سامانه رو دور بزنه، و باز خونه شو همون قدر که می‌خواد اجاره می‌ده و همون جوره که ما قیمت یک چیزی رو به مامانمون کمتر می‌گییم و یک صفرشو کم می‌کنیم تا دعوامون نکنه، اون‌ها هم یک صفرشو برمی‌دارن که نهادهای مربوطه و مسئولان یکپوشه شو که نشن!

قراردادهای واقعی

بعد از دلال‌ها، برخی صاحب‌خونه‌ها شاید دومین افرادی باشن که این طرح چندان به مذاقشون خوش نمی‌آدو ترجیح می‌دن به همون بنگاه مراجعه کنن. آخه قراردادها ثبت می‌شه و دیگه نمی‌تونن بیش از سقف مجاز، یعنی ۲۵ درصد، اجاره رو افزایش بدن. بعد، چه جوری ۱۰۰ درصد افزایش بدن و

معلوم نباشه؟! بعد چه جوری بتونن از راه دریافت اجاره کاسبی کنن؟ بعد چه جوری خون مستأجرها رو تو شیشه کنن؟ اصلا چیه این طرح‌ها؟ دولت نه تنها شغل ایجاد نکرده که داره همین چهارتا دلال رو هم حذف می‌کنه. این‌ها هم از نون خوردن می‌افتن! شما هم با این طرح‌ها تون!

حذف پول سانت بنگاه

هفته پیش خیلی خوب بود چون بالاخره پدرمان یک خانه پیدا کرد که به قول خودش زیر اجاره اش کمرش له نمی‌شود؛ فقط رگ به رگ می‌شود. در بنگاه هم یک اتفاق خوب دیگر افتاد. وقتی پدرمان می‌خواست «پول سانت» آقای بنگاهی را بدهد، گفتیم می‌تواند آنلاین و رایگان قرارداد اجاره را ثبت کند. برای همین، پدرمان قول یک شیرینی خوب به ماداد، مثل قول عیدی‌هایی که از زمان گرفت و قرار بود پس بدهد. البته آقای بنگاهی به علت حذف پول سانتش عصبانی شد و ما و آقای صاحب‌خانه را از بنگاه بیرون انداخت، ولی آقای صاحب‌خانه یک شکلات به ماداد. ما هم این ضرب‌المثل را ساختیم که شکلات نقد، بهتر از شیرینی نسبی.



صفحه ۴
۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲
شماره ۷۳

سندرم شیلنگ بی قرار

★ چاکر عباس آقا.
★ به به آقای فلاحتی بزرگوار! بیا یک کم خنکت کنیم.

و هم زمان با گفتن این جمله، صدای داد من درواکنش به خیس شدن سرتاپایم و خنده عباس آقا بلند شد. سال هاست یکی از تفریحات عباس آقا این است. هم زمان که جلومغازه اش را بشیلنگ آب می‌شوی و تن و بدن ذخایر آبی کشور را می‌لرزاند، تن و بدن عابرائی را نیز که از جلومغازه اش رد

می‌شوند می‌شوید و می‌لرزاند. به همین علت همه سعی می‌کنند با اوسلام علیکی نداشته باشند یا مسیرشان را از مغازه اش کج کنند. اما من به اصل «چون تو باید بد کنی پس فرق چیست» اعتقاد بسیاری دارم. هیچ گاه مسیرم را تغییر نمی‌دهم و دست کم دو روز در هفته توسط عباس آقا شسته می‌شوم. البته به جز رافت و مهربانی و اصول اخلاقی، نسبی‌هایی که از او گرفته‌ام هم باعث می‌شود نتوانم مسیرم را از مغازه او

کج کنم. چون در آن صورت، به جرم دزدی، با همان شیلنگ دنیاالم می‌کند و به جای خیس کردنم، با آن کتکم می‌زند. متأسفانه هیچ یک از روش‌های عباس آقا برای این امر پیش‌بینی پذیر نیست. برای همین، هیچ یک از ماتا به حال نتوانسته است از دست او در برود. گاهی خود را در حال شستن سبزی‌هایش نشان می‌دهد و وقتی از کنارش می‌گذری، ناگهان به جای سبزی‌ها تورا نشان می‌گیرد. گاهی زمین

فرهنگ شهروندی
مآله چارانی